

قطب عالم امکان، ولی مطلق دوران، منجی عالم بشریت، حضرت صاحب الزمان (عج)

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

، ۱۳۳۷ -

: مدینه فاضله و منجی موعود در اندیشه سهراب سهری /

محمد ابراهیم ضرابها.

تهران: کلیدر، ۱۳۹۰.

۲۵۲ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۷۶۵۰۰-۸۴-۷

فیبا

مدینه فاضله و منجی موعود در اندیشه سهراب سهری.

سهری، سهراب، ۱۳۰۷ - ۱۳۵۹ - - نقد و تفسیر

شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

۱۳۸۹/۸۰۹۴PIRض ۸۰۹۴ش ۹

۱/۶۲۶۸

۷۱۲۱۶۱۲

www.keldarpub.com

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۵۶۸۶۴

شهر آفتاب و انسان پرین

مؤلف: دکتر محمد ابراهیم ضرابی

ویراسته علی رضا ایمانی

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

طراح جلد: بهزاد باشو

حروف نگار: مسعود یاوری

چاپ: شریعت

قیمت: ۵۶۰۰ تومان

شابک: ۷ - ۸۴ - ۷۶۵۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

حق چاپ و نشر برای مؤلف و ناشر محفوظ است

این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

- ۹
- ۱۳ **بشنوی شگفته شهر آفتاب و نظریه پردازان مدینه فاضله**
- نسخه شگفته
- ۱۵ **دیدگاه اندیشمندان غرب**
- ۱۶ **مدینه فاضله‌ی افلاطون**
- ۱۹ **ارسطو و سیاست**
- ۱۹ **فرضیه‌ی شهر جهان در فلسفه‌ی رواقیون**
- ۲۰ **آگوستین و شهر خدا**
- ۲۲ **آرمانشهر توماس مور**
- ۲۳ **آناکارسیس کلوتس و جامعه‌ی واحد**
- ۲۳ **شهر آفتاب توماس کامپانلا**
- ۲۴ **فرانسیس بیکن و آتلانتیس نوین**
- ۲۴ **فرانسیس فوکویاما و نظریه پایان تاریخ**
- نسخه شگفته
- ۲۵ **آرمانشهر از دیدگاه متفکران مسلمان**
- ۲۸ **مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی**
- ۳۳ **خواجه نصرالدین طوسی و اخلاق ناصری**
- نسخه شگفته
- ۳۷ **آرمانشهر (جامعه‌ی ایده‌آل)**
- ۳۷ **آیا رسیدن به آرمانشهر امکان پذیر است؟**
- ۳۸ **ضد آرمانشهر**
- ۳۸ **شهر آرمانی**
- ۳۹ **قرآن کریم و مسأله‌ی آرمانشهر**
- ۴۲ **ناکجا آباد رندی**

سهراب سپهری و شهر آفتاب

- ۴۳ خصوصیات آرمانشهر در شعر «تاء»
 ۴۷ خصوصیات آرمانشهر در شعر صدای پای آب
 ۵۹ خصوصیات آرمانشهر در شعر آب
 ۹۱ خصوصیات آرمانشهر در شعر واحدی در لحظه
 ۹۹ خصوصیات آرمانشهر در شعر پشت دریاها
 ۱۰۷ خصوصیات آرمانشهر در شعر ندای آغاز
 ۱۲۷ خصوصیات آرمانشهر در شعر اینجا همیشه تیه
 ۱۴۵ نتیجه گیری

- ۱۴۷ انسان برین ، اندیشه سازان منجی موعود و مسئله‌ی انتظار
 ۱۴۹ اندیشه سازان منجی موعود و مسئله‌ی انتظار

اندیشه‌ی منجی موعود و انسان برین در ادیان مهم جهان

- ۱۵۷ اندیشه‌ی منجی موعود در آیین هندو
 ۱۵۹ اندیشه‌ی منجی موعود در آیین بودا
 ۱۶۵ اندیشه‌ی موعود در ادیان چینی
 ۱۷۱ اندیشه‌ی منجی موعود در دین یهود
 ۱۷۴ اندیشه‌ی منجی موعود در مسیحیت
 ۱۷۹ اندیشه‌ی منجی موعود در آیین زرتشت
 ۱۸۳ نتیجه‌گیری کلی:

اندیشه‌ی منجی موعود در اسلام

- ۱۸۷ منجی موعود در قرآن کریم
 ۱۹۵ منجی موعود در روایات نبوی
 ۱۹۷ ویژگی‌های شخصی منجی موعود در روایات
 ۱۹۸ حوادث پیش از ظهور امام مهدی در روایات
 ۱۹۹ ظهور امام مهدی (ع) در روایات
 ۲۰۰ نشانه‌های امام مهدی (ع) در روایات
 ۲۰۱ رفتار و ثمرات ظهور امام مهدی (ع) در روایات
 ۲۰۲ جایگاه و منزلت امام مهدی (ع) در روایات

۲۰۳ نتیجه: ویژگی‌های نوعی منجی موعود اسلام در قرآن و سنت

نتیجه: فصل دوم

۲۰۷ اندیشه‌ی منجی موعود در تصوف و عرفان اسلامی

۲۰۹ بخش دوم: سهراب سپهری و مسئله‌ی نجات انسان

نتیجه: فصل دوم

۲۱۱ منجی موعود و انسان برین در اندیشه‌ی سهراب سپهری

نتیجه: فصل دوم

۲۱۵ نجات معنوی از درون انسان در اندیشه‌ی سهراب سپهری

۲۱۵ نجات درونی در شعر ورق روشن وقت

۲۲۵ نجات درونی در شعر همیشه

۲۳۸ نجات درونی در شعر تنهای منظره

نتیجه: فصل دوم

حضور منجی موعود یا انسان برین برای نجات بشریت در اندیشه‌ی

۲۴۵ سهراب سپهری

۲۴۵ حضور انسان برین در شعر ان برتر

۲۴۹ حضور انسان برین در شعر دروگران بگاه

۲۶۱ حضور انسان برین در شعر راه واره

۲۷۴ حضور انسان برین در شعر مسافر

۲۷۶ حضور انسان برین در شعر شب تنهایی خوب

۲۸۴ حضور انسان برین در شعر به باغ همسفران

۳۰۰ حضور انسان برین در شعر تا نبض خیس صبح

۳۱۳ حضور انسان برین در شعر اینجا پرنده بود

۳۲۷ حضور انسان برین در شعر بی‌روزها عروسک

۳۴۳

۳۴۹

نتیجه:

نتیجه و منابع:

مقدمه

از دیرباز تاریخ جوامع بشر تاکنون همواره دو مفهوم به عنوان دو نیاز فطری، ذهن خیال‌اندیش و آرزوی عمیق انسان را در خود فرو برده است. این دو مفهوم از بطن زندگی او برخاسته و همواره در جهت رسیدن به آن خردورزی و مآل اندیشی‌های بسیاری انجام داده است. گاه آنها را در تئوری‌های فلسفی طرح‌ریزی کرده و گاه در محصول هنری خود متجلی ساخته است. گاهی نیز به پیروی از دستاوردهای پیامبران الهی به وعده‌های دینی و بشارت‌های معنوی ایمان آورده و اعمال و باورهای خویش را در آن راستا تنظیم کرده است. این دو مفهوم مورد نیاز یکی مدینه فاضله یا همان آرمانشهر و شهر آفتاب است و دیگری انتظار برای ظهور منجی موعود. انسان برینی که روزی خواهد آمد و جوامع بشری را از فقر و فلاکت و ظلم و ستم نجات خواهد داد و عدالت و مساوات و برابری را همراه عشق و ایمان و دوستی به ارمغان خواهد آورد.

از آن هنگامی که اولین جوامع بشری شکل گرفت و فاصله‌های طبقاتی ایجاد شد، به دلیل ویژگی‌های زیاده‌خواهی انسان و شهرت و تکاثر مال و ثروت و قدرت و شهرت و ... تبعیض، نابرابری، ستم، ظلم و حق‌کشی رواج پیدا کرد. بر اثر این صفات مذموم انسانی، طبعاً جوامع بشری به طبقات مختلف تقسیم شد. عده‌ای در بالا و عده‌ای دیگر فرودست قرار گرفتند. طبقات بالادست برای حفظ موقعیت موجود و حرص و زیاده‌خواهی خویش همواره بر ظلم و ستم و تجاوز خود نسبت به طبقات زیردست افزودند و طبقات مظلوم و مستضعف نیز برای به دست آوردن حق طبیعی خود همواره با آنان سر ستیز بلند کردند. این تضاد طبقاتی در تاریخ بشر همواره وجود داشته است تا جایی که عده‌ای سرچشمه‌ی این اختلافات را از هابیل و قابیل می‌دانند. گاه ظلم و ستم و گمراهی و فریب به جایی می‌رسید که برای رهایی و هدایت آنها، خداوند

رسولانی می‌فرستاد تا با انذار و تبشیر، مردمان را به عدالت و خیر و نیکی و مساوات فراخوانند. مهم‌ترین بشارت و نوید پیامبران این بود که جامعه را به سمت فضیلت و عدالت و ایمان سوق دهند و آرمان و ایده‌آل آدمی را در فهم یک زندگی برتر به منصه‌ی ظهور برسانند. اما پیامبران الهی، این مصلحان جوامع بشری که آمدند، هر کدامشان بسیار تلاش کردند تا جامعه‌ی آرمانی حق را به ظهور برسانند ولی بیشتر آنها حتی در زمان خود نیز موفق نشدند و بلکه از شهر و کاشانی خود رانده شدند.

تعداد کمی از آن انسان‌های برین نیز که موفق به اجرای جامعه‌ی توحیدی شدند، پس از رحلت، پیروان و وابستگان به آنها، ایده‌آل آنها را به نام خود آنها به انحراف کشاندند. این شد که اجرای مدینه‌ی فاضله و شهر آرمانی، جزء آرمان و ایده‌آل انسان شد. به این دلیل هر متفکر نظریه‌پرداز بر آن شد تا شیوه‌ی اجرای آن شهر آرمانی را تنظیم کند و هر هنرمندی به خود حق داد تا شهر آرمانی خود را در هنرش آفتابی کند. از این‌رو نظریه‌پردازان بسیاری پیدا شدند تا برای مدینه‌ی فاضله طرحی نو در اندازند و سهراب، یکی از این طراحان شهر آفتاب است که ایده‌آل خود را در هنر شعرش منعکس کرده است. اما طرح آرمانشهر سهراب بسان فیلسوفان نیست. حکیمان و فیلسوفانی چون افلاطون، زنون، آگوستین، فارابی، خواجه نصیر، توماس مور و ... براساس نظام فلسفی خویش، چگونگی آرمانشهر خود را پایه‌ریزی و ابداع کردند که البته نظریات هر کدام از این متفکران، پاسخگوی نیاز فلسفی‌شان بوده و این نیاز فلسفی بی‌تأثیر از نیاز تاریخی زمان خودشان نبوده است. اما سهراب به مانند عارفان پیشین چون مولانا و حافظ، به دنبال شهر آفتاب خود بوده تا آن را بیابد. آرمانشهر اینها اکتشافی است نه ابداعی. این است که سهراب می‌گوید: پشت دریاها شهری است، قایقی خواهم ساخت، خواهم انداخت به آب. آرمانشهر سهراب، همان ده بالادست است که آب را گل نمی‌کنند. پای چهرهاشان جای پای خداست. آنها آب را می‌فهمند و ...

از این رو بر آن شدیم تا قبل از هر چیز موضوع مدینه‌ی فاضله را از نگاه فلاسفه و متفکرین معروف که در این زمینه صاحب نظر هستند، مطرح کنیم و سپس به استخراج و تحلیل اشعار سهراب سپهری در این باره پردازیم و در پایان، یک تطبیق اجمالی بین نظریات آنها به عمل آوریم. اما در گام بعد، به این مسئله برخورد می‌کنیم که برای تحقق جامعه‌ی ایده‌آل و واقع شدن شهر آرمانی، باید ابر مردی باشد. با پشتوانه‌ی الهی و آسمانی، تا این مدینه را به وجود بیاورد. انسان برینی که تنها او قدرت اجرای چنین کاری را دارد. کسی که بر غرایز نفسانی و سرکشی‌های خوی حیوانی در خویش غلبه کرده است. کسی که اسیر تمنیات زیاده‌خواهی نفس نیست، کسی که خود ساخته و پرورش یافته به دست حضرت حق است، کسی که مثل هیچ کس نیست. چنین انسانی باید تا شهر آرمانی را بپا کند. از طرف دیگر، چون در طول تاریخ، تبعیض‌ها و ستم‌ها و چپاول‌ها و بی‌عدالتی‌ها رواج داشته و هر حکومتی که آمده سنگ حقانیت خود را بر سینه می‌زده، و برای حفظ قدرت و ثروت خود، همه را از دم تیغ می‌گذرانده و ایجاد طبقات اجتماعی را بر اساس برترینی خود ضرورت می‌دانسته و ... لاجرم ضعیفان و ستمکشان و مستضعفان بر این باور رسیدند که یک نجات دهنده‌ای باید بیاید که جنسش با حاکمان دیگر فرق داشته باشد. نجات دهنده‌ای که از سوی آسمان باشد و برای زمینیان دل بسازد و رهایی آنها را میسر سازد. او باید از جهت خلق و خوی، از جهت تفکر و اندیشه، از جهت گفتار و کردار، از جهت معنویت و عشق و مهربانی، از جهت صلح و آشتی و دوستی، برترین انسان باشد. انسان برینی که یک دستش به سوی زمین و دست دیگرش به سوی آسمان باشد تا بتواند دست مردم را در دست خدا نهاند. چنین انسانی تنها می‌تواند نجات دهنده باشد. و چون این نیاز درون ذات انسان شد، همه پیامبران و همه ادیان به وجود چنین کسی بشارت دادند و هر کدام به شیوه‌ی خاص خود روز موعودی را معین و برای آن واقعه، نشانه‌هایی برای ظهورش مطرح کردند. و نوع انسان، از آن هنگام که مورد تبعیض و تجاوز و ستم قرار گرفت و برای احقاق حق خود نتوانست قیام کند، لاجرم در انتظار این انسان برتر

ماند تا روزی بیاید و داد او را از ظالمان و ستمگران بستاند. این شد که وجود منجی موعود، ضرورت تاریخی پیدا کرد. و هر انسان درمندی از انتظارش گفت و ترانه‌های فراق و هجران سر داد. انتظار، مکتبش شد و اعتراض به وضع موجود، رفتار و اندیشه‌اش.

یکی از این افراد دردمند، سهراب سپهری است. او که با مردم این ناحیه صحبت کرده، حرفی از جنس زمان نشنیده است. و از این ناراحت است که هیچکس زاغچه‌ای را سر یک مزرعه جدی نمی‌گیرد. از این رو به دنبال ناجی می‌گردد و معتقد است روزی که او بیاید، همه جا چراغانی می‌شود، پنجره‌های ذهن و دل به پهنای جهان گشوده می‌گردد. کسی که چشمانش، راه را روشن می‌کند و دستانش تردیدها را می‌شکند. از این رو با التجا می‌گوید: بیا و ظلمت ادراک ما را چراغان کن. آری یک نفر می‌آید. یک نفر که تا عضلات بهشت، دست مرا امتداد می‌دهد. یک نفر که نور صبح مذاهب در وسط دکمه‌های پیراهنش است. کسی که حنجره‌اش از صفات آبی شط‌ها پر شده است. کسی که روی سر ما سقفی از تناسب گل‌ها می‌کشد. کسی که ...

آری، این اندیشه‌ها بود که ما را بر آن داشت تا تحلیلی جامع در اشعار سهراب سپهری صورت دهیم. آنها را یکدست کرده و یک نتیجه‌ی کلی از آنها بگیریم. اما لازمی کار این بود که یک تحقیق مجمل در ادیان صورت بگیرد تا دریابیم که نظر ادیان بزرگ دنیا درباره‌ی منجی موعود چیست؟ سپس نظریات سهراب سپهری را در این باره تحلیل کنیم و در نهایت یک تطبیق اجمالی بین آنها برقرار سازیم. امیدوارم که این بررسی و تحقیق ناچیز، مورد استفاده‌ی مشتاقان و منتظران و موعودباوران قرار گیرد. از همه‌ی اهل فن استدعا دارم که این حقیر را از پیشنهادات و انتقادات خود محروم نفرمایند.

غم‌مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود این خماری از سر ما میگسازان می‌رود
وعدۀ دیدار نزدیک است یاران مؤده باد روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود

و من... التوفیق

محمدابراهیم ضرابیها